

***The New International Order and the Ideological-Security  
Approach of the Islamic Republic  
(Defense-Invasion Riddle Plan)***

*Mohsen Jamshiidi*

*Hamid Reza Saeedinezhad*

**ABSTRACT**

Since the end of the Cold War until today, we have faced an international system in transition (formation), the Middle East region is no exception to this rule. Regionalism, Shiism and militarism are not the ideological-security approach of Iran. But under the influence of this approach, at a certain point in time, they can explain Iran's foreign policy strategy in order to become a regional hegemon. Iran's efforts to increase its regional role are further aimed at increasing relative security (defensive realism, defense-security). Increasing the wealth of countries leads them to increase military power and then the spirit of adventure (aggressive realism, aggression - power). The author will use a qualitative method and a descriptive-analytical approach to answer the question and prove his hypothesis through the data under discussion. How has US policy of aggressive internationalism since eleven september affected the ideological-security approach of the Islamic Republic so far? US aggressive internationalism in the Middle East in the shadow of (the idea of a new world order) after eleven september has so far shifted Iran's ideological-security approach to (regionalism-Shiism-militarism) by shifting from defense-security policy to aggression policy. The aim of this research is to examine Iran's foreign policy against the aggressive US internationalism in the period under discussion.

**KeyWords:** The New World Order, the Riddle of Security (Defense-Invasion), Regionalism, Shiism, Militarism.

## نظم نوین جهانی و رویکرد ایدئولوژیکی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران

### (طرح معمای امنیتی دفاع - تهاجم و قدرت نرم این کشور در منطقه تحت نفوذ)\*

محسن جمشیدی<sup>۱</sup>

حمید رضا سعیدی نژاد<sup>۲</sup>

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۱۰

تأیید مقاله: ۱۴۰۰/۰۷/۰۷

#### چکیده

از پایان جنگ سرد تا امروز، ما با یک نظام بین‌الملل در حال گذار (شکل‌گیری) مواجه بوده‌ایم، منطقه خاورمیانه و غرب آسیا نیز از این قاعده مستثنی نیست. منطقه‌گرایی، شیعه‌گرایی و نظامی‌گری رویکرد ایدئولوژیکی - امنیتی ایران به حساب نمی‌آیند؛ اما می‌توانند تحت تأثیر این رویکرد در مقطع زمانی خاصی، راهبرد سیاست خارجی ایران را در راستای تبدیل شدن به هژمون منطقه‌ای تبیین نمایند. تلاش ایران برای افزایش نقش منطقه‌ای، بیشتر با هدف افزایش امنیت نسبی و قدرت نرم این کشور صورت می‌گیرد (رنالیسم تدافعی، دفاع - امنیت). افزایش ثروت کشورها آن‌ها را به افزایش توان نظامی و سپس روحیه ماجراجویی می‌کشاند (رنالیسم تهاجمی، تهاجم - قدرت). نگارنده با روش کیفی و رویکرد توصیفی - تحلیلی درصدد پاسخ به سؤال و اثبات فرضیه خود از طریق داده‌های مورد بحث خواهد بود. سیاست بین‌الملل‌گرایی تهاجمی آمریکا بعد از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ تاکنون رویکرد ایدئولوژیکی - امنیتی جمهوری اسلامی را چگونه متأثر از خود ساخته است؟ بین‌الملل‌گرایی تهاجمی آمریکا در خاورمیانه در سایه (ایده نظم نوین جهانی) بعد از یازدهم سپتامبر تاکنون، رویکرد ایدئولوژیکی - امنیتی ایران را به سمت قدرت نرم (منطقه‌گرایی، شیعه‌گرایی و نظامی‌گری) با چرخش از سیاست دفاع - امنیت به سمت سیاست تهاجم - قدرت و بالعکس، براساس فرصت‌های پیش آمده سوق داده است. هدف از این پژوهش، بررسی سیاست خارجی ایران در مقابل بین‌الملل‌گرایی تهاجمی ایالات متحده در بازه زمانی مورد بحث می‌باشد.

#### کلید واژه‌ها

نظم نوین بین‌المللی؛ معمای امنیت (دفاع - تهاجم)؛ منطقه‌گرایی؛ شیعه‌گرایی؛ نظامی‌گری.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران Mohsenmd16@yahoo.com

۲. نویسنده مسئول: استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران Saeedynzhad48@gmail.com

\* پژوهش حاضر برگرفته از رساله‌ی دکتری نگارنده می‌باشد.

## مقدمه

قدرت‌های بزرگ همیشه سعی داشته‌اند با به حداکثر رساندن سهم خود از قدرت به جایگاهی ممتاز نسبت به سایر قدرت‌ها دست یابند. پس از تحقق یافتن این خواسته، به منظور تبدیل شدن به قدرتی هژمون و بلامنازعه، بایستی قدرت خود را نهادینه نمایند (اذری نجف‌آبادی، ۱۳۹۰: ۷۰۲). بعد از جنگ جهانی دوم و تغییر در ساختار نظام بین‌الملل، سیاست بین‌الملل‌گرایی به گرایش غالب در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا بدل شد. بعد از جنگ سرد و خصوصاً بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، در دوران جورج دبلیو بوش بین‌الملل‌گرایی خصولتی مداخله‌گرایانه و تهاجمی به خود گرفت و به تهاجم علیه افغانستان و عراق انجامید. در حال حاضر نیز دونالد ترامپ درصدد ارتقای موقعیت جهانی کشور خود است؛ اما برای تعامل با متحدان اصلی، کسب منافع ملی و همکاری با دولت‌های دیگر در جهت تعقیب اهداف جهانی آمریکا راه‌کاری ندارد (Larres, 2017:14). درحالی‌که ایران به‌عنوان قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه به‌دنبال تحکیم موقعیت خود می‌باشد، به‌عنوان بازیگر خردمند، وضعیت کنونی تثبیت‌شده را اولویت خود دانسته و با تأسی از سیاست دفاع - امنیت، تهاجم - قدرت به‌عنوان تاکتیک دیپلماسی خود در پی آن است که ساختارهای سیاسی موجود در منطقه به نفع خود را تغییر دهد. پویایی و به‌کارگیری سیاست همزمان آرمان - عمل - امنیت - مصلحت و تکیه بر عقلانیت تصمیم‌گیری در اقدامات بازیگران سیاست خارجی کشور موجود بوده و این مسأله ممکن است با الگوی عقلانیت غربی متفاوت باشد (احمدی خوی و دیگران، ۱۳۹۷: ۸۳). نقش غیرامنیتی‌سازی ساختار دیپلماسی در رابطه با کاهش سطح تنش در روابط خارجی با کشورهای منطقه و جلوگیری از افزایش استحکامات نظامی آن که خطری امنیتی برای کشور به‌شمار می‌آمده به‌کار رفته است (Monier, 2014: 422).

## بیان مسأله

با نقطه عطف تلقی کردن یازده سپتامبر می‌توان گفت که ایالات متحده به‌طور خاص و سایر قدرت‌های فرامنطقه‌ای به‌طور کلی با دیدگاه دیگری به مفهوم امنیت نگاه می‌کنند. تأثیر یازده سپتامبر معطوف به استراتژی جهانی آمریکا بود و خاورمیانه نقطه کانون و ثقل استراتژی آن کشور

تلقی شد. در خاورمیانه از دهه‌های گذشته قدرت‌های منطقه‌ای در پی برهم‌زدن نظم موجود بوده و خواستار افزایش سهم قدرت بیشتری برای خود بوده‌اند. یکی از این کشورها ایران است که از گذشته تا کنون نقش بسزایی در تحولات خاورمیانه داشته است. این قدرت بالقوه منطقه‌ای در چند دهه گذشته نظم نوین موجود و در حال گذار در منطقه را به چالش کشیده و خواستار تغییر وضع موجود و نظم به‌وجودآمده بوده است. در پژوهش فوق به‌دنبال بررسی این مسأله خواهیم بود که پارامترها و برون‌دادهای سیاست خارجی ایران به‌خصوص در چند دهه گذشته بعد از (حمله یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱) چگونه نظم نوین در حال شکل‌گیری در منطقه را به چالش طلبیده است؛ زیرا این قدرت بالقوه منطقه‌ای (ایران) در سیاست خارجی و رویکردهای ایدئولوژیکی - امنیتی خود همیشه متفاوت از سایر بازیگران غیر همسو و ناراضی از وضع موجود عمل و رفتار نموده است. در واقع نگارنده، رویکرد ایدئولوژیکی - امنیتی جمهوری اسلامی در چهار دهه گذشته و نظم نوین در حال گذار و قابل شکل‌گیری در آینده (به‌خصوص بعد از حمله یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ که سیستم و استراتژی نظم موجود در سیستم بین‌الملل تغییر داد) را مورد بررسی و کنکاش قرار داده است.

پژوهش فوق با روش کیفی - تفسیری و استنباط اطلاعات از طریق اسناد موجود با رویکرد توصیفی - تحلیلی، گردآوری اطلاعات و داده‌ها به طریق فیش‌برداری از منابع موجود و در دسترس (کتاب، مقالات و فصل‌نامه‌های علمی - پژوهشی و علمی تخصصی، سایت‌های معتبر و ...) داخلی و خارجی به انجام رسیده است. از منظر اهمیت و ضرورت، انجام پژوهش نیز کنش راهبردی جمهوری اسلامی بعد از یازدهم سپتامبر در برابر بین‌الملل‌گرایی تهاجمی و تغییر استراتژی هژمون برتر در سیستم بین‌الملل، همیشه برای پژوهش‌گران و تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی جذابیت داشته و هم‌چنین بر بدیع‌بودن آن می‌افزاید.

#### ادبیات پژوهش (پیشینه تحقیقاتی و مطالعاتی موضوع مورد بحث)

در ارتباط با موضوع مورد نظر نگارنده یعنی نظم نوین بین‌المللی و رویکرد ایدئولوژیک ایران، به صورت مستقیم منبعی یافت نشد. در ادامه مطب چند اثر را که با عنوان موضوع، سنخیت بیشتری دارند به اختصار بررسی می‌نماییم:

- کتاب منطق سیاست خارجی آمریکا: نظریه‌های نقش جهانی آمریکا به نویسندگی پاتریک کالاهان را آقایان داوود غرقیان زندگی و محمود یزدان فام و داوود پوراخوندی ترجمه نموده‌اند. این اثر را انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی در چاپ دوم در سال ۱۳۹۶ منتشر کرده است. نویسنده در این کتاب معتقد است که ایالات متحده پس از فروپاشی شوروی به صورت تأثیرگذارترین و قدرتمندترین بازیگر دولتی نظام بین‌الملل جلوه‌گر شد.
- کتاب جهان نامتوازن: روابط بین‌الملل و چالش استیلاجویی آمریکا به نویسندگی استفان بروکز و ویلیام وولفورت را آقای سیداحمد فاطمی نژاد ترجمه کرده است. این اثر را انتشارات وزارت امور خارجه در سال ۱۳۹۲ به چاپ رسانده است. در این کتاب نویسندگان در پی واکاوی جنبه‌های مختلف توهم استیلاجویانه این دولت در نظام بین‌الملل است.
- کتاب ترامپ، جمهوری اسلامی ایران و سیاست بین‌الملل به نویسندگی دکتر ابراهیم متقی را انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی تهران در سال ۱۳۹۸ در هشت فصل به علاوه پیش‌گفتار و نتیجه‌گیری منتشر نموده است. نویسنده معتقد است که الگوهای رفتار سیاسی ترامپ در برابر ایران، تحولات اساسی در معادلات سیاسی ایجاد خواهد کرد.
- آقایان رضا جلالی و مهدی مجد، مقاله «نظم نوین جهانی و تأثیر آن بر منطقه خاورمیانه بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰ میلادی» اعتقاد دارند که تغییراتی که در سال‌های پایانی دهه هشتاد میلادی روی داد، تأثیری عمده بر جغرافیای سیاسی جهان و سیستم بین‌الملل داشت.
- سیدجلال دهقانی فیروزآبادی در مقاله «واقع‌گرایی نئوکلاسیک و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» اعتقاد دارد که از بعد نظری درصدد کاربست نظریه نئوکلاسیک برای تحلیل سیاست خارجی ایران است. هرچند مقالات نویسندگان دیگری از جمله حاجی یوسفی (۱۳۸۱)، دهقانی فیروزآبادی (۱۳۸۸)، بهرامی (۱۳۹۴)، جلالی و مجد (۱۳۹۵)، اهوئی (۱۳۹۶)، حسن‌خانی و محمدی‌سیرت (۱۳۹۷) و کریمی‌فرد (۱۳۹۷) در حیطه موضوع مورد بحث نوشته شده‌اند؛ اما نویسنده سعی نموده که از زاویه‌ای نو و با نگاهی بدیع به این موضوع پردازد.

## مبنای نظری پژوهش

با حملات ۱۱ سپتامبر که در آن برای نخستین بار یک گروه غیردولتی به این شکل از قدرت عریان علیه تنها ابرقدرت جهان استفاده کرد، زمینه برای ارزیابی اصل دیگر واقع‌گرایی در مورد دولت، به‌عنوان بازیگر روابط بین‌الملل و نقش ایدئولوژی در مباحث امنیتی آینده را فراهم نمود (wahlarb, 2003).

۱) **رنالیسم نئوکلاسیک**: رنالیسم نئوکلاسیک به‌عنوان یک مکتب فکری در داخل رنالیسم، توسعه افت تا متغیرهای سطح سیستمی و متغیرهای سطح واحدها (دولت‌ها) را در درون یک چارچوب تئوریک منسجم سازمان‌دهی کند و بعد توضیحی رنالیسم را تقویت کند. گیدئون رز استدلال می‌کند که فضا و خواسته‌های سیاست خارجی کشورها در وهله اول از طریق موقعیت آن‌ها در سیستم بین‌المللی و به‌ویژه امکانات و توانایی‌های مادی آن‌ها تعیین می‌شود و به این خاطر است که آن‌ها رنالیست هستند (سلیمی و ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۱۶). رنالیسم تهاجمی و تدافعی را اولین بار جک اسنایدر به‌کار برد (snayder, 1991: 11-12). گیدئون رز نیز در مقاله خود با عنوان «رنالیسم نئوکلاسیک و نظریه‌های سیاست خارجی» درباره رنالیسم تدافعی و تهاجمی می‌گوید هر دو تئوری از این فرض آغاز می‌نمایند که نظام بین‌الملل، از دولت‌های عقلانی و منفردی که میل به امنیت آنان را انگیزه‌دار کرده، تشکیل شده است (Rose, 1998: 149).

۲) **رنالیسم تهاجمی**: از مهم‌ترین نظریه پردازان رنالیسم تهاجمی، می‌توان به فرید زکریا و جان مرشایمر اشاره کرد. این نوع که از انشعابات گرایش سیاست قدرت یعنی رنالیسم سیاسی است، نقطه آغاز مباحث گفتمانی خود را بر گرایش‌های تهاجمی، نیت تجدید نظرطلبانه قدرت‌ها به‌ویژه قدرت‌های بزرگ در سطح سیستم بین‌الملل قرار داده است و با تأکید بر شرایط آنارشی در محیط بین‌الملل معتقد هستند که آنارشی، رقابت دائمی قدرت بین قدرت‌های بزرگ را شاهد خواهد بود. از دید آنان آنارشی دارای وضعیت‌های بزرگ روی می‌آورند، خود را درگیر مسائل خارج از مرزها می‌کنند و به دنبال افزایش نفوذ بین‌المللی خود هستند (zakaria, 1998: 3). در رنالیسم تهاجمی، قدرت مهم‌ترین ابزار رسیدن به هدف و کسب جایگاه هژمون در نظام بین‌الملل است، آنان عمدتاً بر قدرت نظامی و اقتصادی تأکید می‌نمایند؛ چون هرچه قدرت و مزیت و برتری نظامی یک کشور بر

دیگران بیشتر باشد، ضریب امنیتی بالاتر خواهد بود. آن‌ها بیشتر بر محوریت دولت‌های بزرگ تأکید دارد که در آن، دولت‌های بزرگ سعی دارند با برهم زدن واقعیت‌های موجود در پی تغییر حفظ موجود برآیند تا به اهداف خود دست یابند.

۳) رئالیسم تدافعی: از مهم‌ترین نظریه‌پردازان این نظریه می‌توان جک اسنایدر و استفان والت را نام برد. فرض اندیشمندان رئالیسم تدافعی بر این است که آنارشی بین‌الملل معمولاً خوش‌خیم است؛ یعنی امنیت چندان نایاب نیست و فراوان است، در نتیجه دولت‌هایی که آن‌را درمی‌یابند، رفتاری تهاجمی نخواهند داشت و تنها در شرایطی که احساس کنند تهدیدی علیه آن‌ها وجود دارد، نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند. رئالیسم تدافعی معتقد است که دولت‌ها در پی حفظ موجودیت خویش در نظام اقتدارگرایز بین‌المللی هستند. تدافعی‌ها به رابطه میان آنارشی و ملزومات نظام بین‌الملل از یک سو و رفتار دولت‌ها از سوی دیگر توجه دارند؛ اما این رابطه را پیچیده‌تر می‌بینند. تنها در شرایطی که از جانب کشورهای دیگر احساس تهدید کنند، از خود واکنش نشان می‌دهند و واکنش‌های آنان معمولاً در سطح موازنه و بازداشتن کشور تهدیدکننده است (Waltz, 1979: 190).

استفان والت برخلاف نظریه موازنه قدرت کنت والتز، نظریه موازنه تهدید را مطرح می‌نماید که سعی در اصلاح و افزایش کارایی نظریه موازنه قدرت دارد. والت سطح تهدید را با توجه به (۱) توانایی‌ها (جمعیت، قدرت اقتصادی، وسعت کشور و سایر عوامل ژئوپلیتیک قدرت)؛ (۲) نزدیکی جغرافیایی؛ (۳) توانمندی‌های نظامی و (۴) نیت تهاجمی توصیف نموده است (Walt, 1987: 147-151)؛ لذا رئالیسم تهاجمی در دوگانه قدرت - امنیت برتری را به قدرت می‌دهد و آن‌را هدف اصلی دولت‌ها برمی‌شمارد؛ درحالی که رئالیسم تدافعی در این دوگانه، اولویت را به امنیت می‌دهد و مطابق گفته والتز، امنیت را بالاترین هدف می‌داند. مرشایمر توانمندی‌های دولت‌ها را به پنهان (اقتصادی و جمعیت) و واقعی (نظامی) تقسیم می‌نماید. او معتقد است که قدرت نظامی در هنگام تجزیه و تحلیل سیاست‌های جهانی، مهم‌ترین عامل می‌باشد. اما سؤالی که در اینجا پیش می‌آید آن است که حد نهایی تلاش دولت‌ها جهت کسب قدرت کجاست؟ در اینجا نیز بین مرشایمر تهاجمی و والتز تدافعی اختلاف دیدگاه وجود دارد (Snaeder, 2002: 151).

۴) معمای امنیت (تهاجم - تدافع): اصطلاح معمای امنیت اولین بار توسط جان هرترز در مقاله‌ای با عنوان بین‌الملل‌گرایان آرمان‌گرا و معمای امنیتی مطرح گردید. او در آن مقاله معمای امنیتی را این

چنین تعریف می‌نماید: «گروه‌ها یا افراد تحریک می‌شوند که به‌منظور درامان‌ماندن از تأثیر قدرت دیگران، میزان بیشتر و بیشتری از قدرت را کسب نمایند. این موضوع به نوبه خود، دیگران را ناامن تر می‌سازد و آنان را وادار می‌سازد تا برای بدترین‌ها مهیا شوند». جرویس معنای معمای امنیتی را این‌گونه تشریح می‌نماید: «افزایش امنیت یک دولت، کاهش امنیت سایرین را در پی دارد. بسیاری از ابزارهایی که دولت‌ها به‌منظور افزایش امنیت خود از آن استفاده می‌نمایند، می‌تواند امنیت سایر دولت‌ها، حتی امنیت قدرت‌های امنیت‌طلب را کاهش دهد. در معمای امنیتی بازیگران، حفظ وضع موجود را به هزینه‌ها و خطرات ناشی از دنبال‌نمودن توسعه‌طلبی ترجیح می‌دهند (اجیلی و رضایی، ۱۳۹۷: ۱۷۴). نظریه موازنه تهاجم - دفاع (تهاجم - قدرت، دفاع - امنیت) یا نظریه معمای امنیتی (یک نظریه کاملاً خوش‌بینانه) سیاست بین‌الملل می‌باشد. این نظریه استدلال می‌کند زمانی که دفاع بر تهاجم مزیت دارد، جنگ‌های بزرگ می‌توانند ملغی شوند. علاوه‌بر این، احتمال رقابت‌های تسلیحاتی و جنگ می‌تواند گاهی اوقات از طریق کنترل تسلیحاتی با دقت طراحی شده، کاهش یابند. نظریه موازنه تهاجم - دفاع استدلال می‌نماید که منازعات بین‌المللی و جنگ، زمانی محتمل‌تر هستند که عملیات نظامی - تهاجمی نسبت به عملیات تدافعی مزیت داشته باشند و احتمال همکاری و صلح نیز زمانی که دفاع مزیت دارد، بیشتر می‌باشد. مطابق این نظریه سهولت نسبی حمله و دفاع (توازن تهاجم - دفاع) اصولاً از طریق دولت غالب در زمینه فناوری در زمان معین تعیین می‌گردد. زمانی که تغییرات فناورانه در موازنه تهاجم - دفاع به‌سوی تهاجم تغییر جهت می‌دهند، مهاجمان احتمال بیشتری برای کسب پیروزی سریع و قاطع دارند. برخلاف نسخه رئالیسم ساختاری کنت والتز که بر قدرت یا توزیع منابع تمرکز دارد، این نسخه از رئالیسم بر قابلیت‌های دولت‌ها به‌منظور انجام مأموریت‌های نظامی ضروری تمرکز دارد. این نظریه‌ها به معرفی یک متغیر نیاز دارند که قابلیت یک دولت در تبدیل قدرت به توانمندی نظامی را منعکس سازد. موازنه حمله - دفاع در درجه اول برحسب سهولت استیلا (فتح سرزمینی)، ویژگی‌های تسلیحات - منابع موردنیاز برای حمله به‌منظور غلبه بر دفاع و انگیزه برای واردنمودن ضربه اول تعریف می‌گردد (آجیلی و رضایی، ۱۳۹۷: ۱۷۸-۱۷۵).



### نظم نوین جهانی، یازدهم سپتامبر و بین‌الملل‌گرایی تهاجمی آمریکا

در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا دو سنت اصلی انزواگرایی و بین‌الملل‌گرایی وجود دارد به طوری که می‌توان سیاست خارجی این کشور را کشمکش بین سنت‌های انزواگرایی و بین‌الملل‌گرایی دانست. سنت انزواگرایی بر آن است که مراودات دیپلماتیک، اقتصادی، فرهنگی و نظامی با سایر واحدهای سیاسی را به حداقل کاهش دهد. ایالات متحده آمریکا پس از تأسیس، سیاست انزواگرایی را اتخاذ کرد و تا جنگ جهانی اول کمابیش به آن پایبند بود. در زمان درگیری‌های دیگر بازیگران با یکدیگر، آمریکا به یمن اتخاذ این راهبرد، توانست برای تبدیل شدن به یکی از دو ابرقدرت پس از ۱۹۴۵ و تنها ابرقدرت سه‌بعدی پس از ۱۹۹۱ اقتدار لازم را به دست آورد (سیف‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۰۵). بعد از جنگ جهانی دوم و تغییر در ساختار نظام بین‌الملل، سیاست بین‌الملل‌گرایی به گرایش غالب در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا بدل شد (Brands, 2017). مطابق دکترین نظم نوین جهانی، ایالات متحده پس از فروپاشی سیستم دوقطبی، جهان را تابع یک نظم سلسله‌مراتبی فرض می‌کند که در آن، آمریکا تنها ابرقدرت جهانی تلقی شده و سایر کشورها به قدرت‌های بزرگ، منطقه‌ای، متوسط، کوچک و در نهایت ذره‌ای تقسیم می‌شوند. اشغال کویت از سوی صدام فرصت لازم را برای طرح ایده نظم نوین جهانی فراهم کرد. بوش پدر در سخنرانی خود در این زمینه چنین گفت: «ما امروز در حرکتی یکپارچه و فرامرزی قرار گرفته‌ایم (بوش، ۱۳۸۰: ۳۰۵)». با بروز حوادث ۱۱ سپتامبر، سطوح و ابعاد مقوله امنیت دچار تغییرات شگرفی شد. امنیت از سطح امنیت ملی به سطوح متعددی از جمله امنیت جهانی و امنیت انسانی گسترش یافت و از بُعد نظامی و سخت افزاری به ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، انسانی و زیست‌محیطی تسری پیدا کرد (قلیجایی، ۱۳۹۰: ۱۳۵-۱۱۵). برایند سیاست خارجی نومحافظه‌کاران پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ایفای نقش مؤثر در جهان در ابعاد مختلف است، به طوری که جرج بوش طی سخنرانی در ژاپن گفت: «تاریخ فرصتی استثنایی به ما داده است تا از آزادی دفاع کنیم. ما این فرصت و لحظه را به چنگ آورده‌ایم و عمل خواهیم کرد». جلوگیری از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی دومین مقوله‌ای بود که نومحافظه‌کاران آمریکا به شکلی گسترده‌تر از پیش در دستور کار جامعه بین‌المللی قرار دادند و گسترش حضور نظامی یک جانبه آمریکا در خلیج فارس، آسیای مرکزی و افغانستان و تقویت پیوندهای امنیتی آمریکا با کشورهای مختلف، به آمریکا فرصت داد تا

اجماع بین‌المللی را برای مقابله با تولید و گسترش این سلاح‌ها جلب کند (گوهری مقدم، ۱۳۸۷: ۲۶۲).

**رویکردهای ایدئولوژیکی - امنیتی یا سیاست‌های تهاجمی (تهاجم - قدرت) و تدافعی (دفاع - امنیت) جمهوری اسلامی در حوزه سیاست‌گذاری خارجی در تقابل با بین‌الملل‌گرایی تهاجمی ایالات متحده، (منطقه‌گرایی، شیعه‌گرایی و نظامی‌گری)**

ریمون ارون در کتاب افیون روشن‌فکران، ایدئولوژی را مرکب از واقعیت‌هایی می‌داند که ظاهراً تحت نظم درآمده‌اند و شامل تفاسیر، آرمان‌ها و پیش‌گویی‌هاست. ایران در جایگاه محور اصلی تعارض در برابر شکل‌بندی‌های امنیت منطقه‌ای آمریکا محور قرار گرفته و تقابل‌گرایی ایدئولوژیک، سیاسی و امنیتی میان آمریکا و ایران، از این مقطع زمانی گسترش یافت. نظریه پردازانی از قبیل هالستی، جهت‌گیری‌های سیاست خارجی کشورها را براساس مواضع آنان نسبت به کشورهای منطقه‌ای و همچنین قدرت‌های بزرگ مورد‌ارزیابی قرار می‌دهند (هالستی، ۱۳۷۳: ۵۶۳-۵۶۰). گراهام فولر معتقد است سوءظن نسبت به قدرت‌های خارجی در ضمیر ناخودآگاه جامعه ایرانی نهادینه گردیده و با نمادهایی از بیگانه‌ترسی ناشی از مداخله قدرت‌های بزرگ در امور داخلی ایران ترکیب شده و طبیعی است نگرش ضدآمریکایی در رویکرد رهبران سیاسی ایران بعد از انقلاب نهادینه شود (فولر: ۱۳۷۳: ۶).

۱) **منطقه‌گرایی:** دیوید میترانی را باید هاب‌داع‌کننده رهیافتی دانست که موضوع هم‌تکمیلی را در سیاست خارجی و اهداف عمومی کشورهای ارائه نموده که در یک محوزه جغرافیایی یا در مجاورت یکدیگر قرار دارند. با انقلاب اسلامی تمرکز بر مسائل منطقه‌ای نوعی قوت در سیاست خارجی ایران به حساب آمد. مسائل اصلی خاورمیانه از جمله صلح اعراب و اسرائیل و مبارزه با استکبار و به تبع آن مبارزه با حکومت‌های عربی وابسته به قدرت‌های بزرگ، دو موضوعی بودند که جمهوری اسلامی ایران را مستقیم به مسائل منطقه وصل می‌کردند. با حوادث ۱۱ سپتامبر و تحولات سیاسی - امنیتی پس از بحران عراق در سال ۲۰۰۳، نقش و موقعیت بازیگری ایران در سطح منطقه افزایش یافت (برزگر، ۱۳۸۸، ۳۴-۳۳).

### ۱-۱) راهبردهای اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی در بعد منطقه‌گرایی:

**الف) قدرت منطقه‌ای:** بعد از جنگ ایران و عراق، حفظ توازن منطقه‌ای از نظر ایران بیشتر با زمینه‌سازندگی و توسعه از طریق تقویت رویکرد تعاملی و تنش‌زدایی با کشورهای منطقه و جهان تعریف می‌شد. مبنای این نگاه جدید، نیاز ایران به تکنولوژی و ورود سرمایه‌های جدید برای به جریان‌انداختن روند توسعه و رشد اقتصادی کشور و به تبع افزایش توان ملی به‌خصوص جذب سرمایه‌گذاری‌ها و تکنولوژی پیشرفته در حوزه انرژی بود. در همین چارچوب، سند چشم‌انداز بیست ساله توسعه ایران تصویب شد. در این سند به صراحت پیش‌بینی شده است که ایران باید در سال ۲۰۲۵ به قدرتمندترین کشور منطقه از حیث توان نظامی، اقتصادی و علمی و فناوری تبدیل شده باشد.

**ب) منطقه قوی:** محدودیت‌های استراتژیک ناشی از به‌هم‌زدن توازن قوا که در قالب فعالیت‌های هسته‌ای و موشکی ایران منجر به واکنش سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شد که در نهایت با توافق هسته‌ای ایران (برجام) با قدرت‌های بزرگ در جولای ۲۰۱۵ به‌گونه‌ای حل شد. این دیدگاه معتقد است که ارزش استراتژیک منطقه خاورمیانه به‌دلایلی هم‌چون غیراستراتژیک شدن نفت در نیم قرن آینده، افزایش تصاعدی معضلات منطقه، ناکارآمدی مخرب سیاست قدرت‌های بزرگ و بازیگران منطقه‌ای و ازمیان‌رفتن زیرساخت‌ها و نیز تغییرات جبران‌ناپذیر اقلیمی در بخش‌های وسیعی از منطقه رو به کاهش است. تعامل با حاصل جمع صفر و تخریب زیرساخت‌ها در منطقه به روندهای پایداری تبدیل شده و از این لحاظ، قدرت‌شدن و قدرت‌ماندن در چنین منطقه‌ای برای هر کشوری هزینه سنگینی دارد.

**ج) قوی از درون:** کارشکنی آمریکا در اجرای کامل اصول برجام که با خروج ترامپ از این توافق هسته‌ای همراه شد، زمینه‌های پیدایش یک راهبرد جدید در سیاست خارجی ایران را فراهم کرده که می‌توان از آن به‌عنوان راهبرد (یک ایران قوی از درون) یاد کرد. برجام سعی داشت تا بین دو جنبه سیاست خارجی ایران، یعنی ضرورت همکاری‌های منطقه‌ای برای اتصال به جامعه بین‌المللی و جذب سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی از طریق برقراری ثبات در منطقه از یک سو و بازدارندگی تهدیدات امنیت ملی از درون منطقه از سوی دیگر، تعادل ایجاد کند (برزگر، ۱۳۹۷: ۲۰۰-۱۸۰).

۲-۱) مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تقویت راهبرد منطقه‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی:

الف) دولت ملی قوی: یکپارچگی ارضی، مستقل بودن و تلاش دائم برای پیشرفت و توسعه، بخشی از ویژگی‌های مهم ایران است. به دلیل وجود این ویژگی‌ها، ایران توانسته در طول تاریخ گذشته و حال، استقلال خود را حفظ کند. هم‌زمان ایران توانسته است ارتباطات تاریخی، فرهنگی و سیاسی را با ملت‌ها و دولت‌های منطقه و محیط اطراف خود حفظ نماید.

ب) هویت ژئوپلیتیک: ویژگی‌های ژئوپلیتیکی سیاسی - امنیتی و تاریخی - فرهنگی ایران به‌گونه‌ای است که می‌تواند آن‌را به مناطق مختلف و زیرسیستم‌های مختلف هویتی - سیاسی در سطوح منطقه وصل کند. از این نظر ایران نقطه اتصال مناطق آسیای مرکزی و قفقاز، آسیای جنوبی، خلیج فارس و جهان عرب است. هر کدام از این زیرسیستم‌ها به‌نوعی پارادایم‌هایی را از لحاظ سیاسی - امنیتی و توسعه در سیاست خارجی ایران مورد توجه قرار می‌دهند. اگر ایران به آسیای جنوبی و شرق متصل شود، به‌نوعی به پارادایم‌های امنیت، انرژی و توسعه متصل می‌شود. از نظر فرهنگی و تاریخی نیز چنین زیرسیستمی در مفهوم هویتی - ژئوپلیتیک آریانیایی بزرگ قرار می‌گیرد که از تاجیکستان تا مالدیو در خط شمالی - جنوبی و از برمه تا ایران در خط شرقی - غربی آسیا ادامه می‌یابد.

ج) ایدئولوژی شیعی و قدرت ملی: بعد از بحران عراق و هم‌زمان با ورود عنصر شیعی در ساخت قدرت و سیاست خاورمیانه، موضوع به کارگیری این مؤلفه در سیاست خارجی ایران به طور جدی مطرح شده و منجر به افزایش نقش و نفوذ ایران در مسائل سیاسی - امنیتی منطقه از جمله حضور فعال و سرنوشت‌ساز در مسائل عراق، لبنان و به‌طور کلی خاور نزدیک شده است. مؤلفه شیعی می‌تواند به عنوان یک مؤلفه قدرت ملی در چارچوب تقویت منطقه‌گرایی مورد استفاده قرار گیرد (برزگر، ۱۳۸۸: ۳۶).

۳-۱) ضرورت تقویت منطقه‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران:

بازیگری بالای ایران در مسائل خاورمیانه و برنامه هسته‌ای و تصمیم بهای حفظ چرخه مستقل سوخت هسته‌ای، زمینه‌های گفت‌وگوهای استراتژیک ایران و آمریکا و مذاکرات احتمالی را بین دو طرف از موضع برابر سیاسی در منطقه فراهم کرده است. تقویت رویکرد توسعه‌ای در سیاست خارجی، با تأکید بر ژئوپلیتیک حساس ایران است که هم‌زمان فرصت‌ها و چالش‌های زیادی را

برای منافع ملی ایران به همراه می‌آورد. در مقابل منطقه‌گرایی جدید معتقد است ایران باید علاوه بر حضور فعال در مناطق فوری امنیتی خود، در مناطق غیرفوری امنیتی خود از جمله خاور نزدیک (لبنان و فلسطین) نیز حضوری فعال و تأثیرگذار داشته باشد و از دامنه‌های نقش و نفوذ خود برای رفع تهدیدهای امنیتی ناشی از امریکا و رژیم صهیونیستی و هم‌چنین حفظ منافع استراتژیک خود در منطقه و در ارتباط با قدرت‌های بزرگ استفاده کند. کارآمدترین استراتژی سیاست خارجی این است که چند اصل کلان را در استراتژی خود تعریف کرده، سپس با توجه به ویژگی‌های ژئوپلیتیک محلی و منطقه‌ای، سیاست خارجی خود را بر مبنای دو اصل ثابت همکاری بیشتر منطقه‌ای و بازدارندگی تهدید از منطقه به تعادل برساند (Bayoumy, Landy and Stobe, 2018).

لذا با توجه به مطالب فوق از نظر نگارنده، ایران بر اساس استراتژی خود در مقابل بین‌الملل‌گرایی تهاجمی، استراتژی تهاجمی (تهاجم - قدرت) را بر همین اساس اتخاذ کرد که تمرکز خود را معطوف منطقه نمود، و به همین خاطر در منطقه سعی نمود که استراتژی تهاجم - قدرت پیشه گیرد؛ زیرا هدف ایران رسیدن به هژمون منطقه‌ای است. تمرکز بر منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران باید مبتنی بر حفظ تعادل بین منطقه‌گرایی سنتی و منطقه‌گرایی جدید باشد. ایران به‌عنوان یک قدرت در حال ظهور جهانی نیاز به یک سیاست خارجی فعال مبتنی بر ائتلاف‌ها و اتحادها در مناطق مختلف جهان به خصوص منطقه خاورمیانه دارد. از سوی دیگر، یک قدرت مدعی منطقه‌ای و جهانی نیازمند توسعه اقتصادی و تمرکز بر رویکردهای همگرایانه با اقتصاد منطقه‌ای و جهانی است. ویژگی یک سیاست خارجی فعال، توجه همزمان به رویکردهای امنیتی - سیاسی و توسعه‌ای - اقتصادی در مناطق اطراف است.

۲) **شبهه‌گرایی:** آرنولد توین بی، تاریخ‌نگار معروف انگلیسی در کتاب «تمدن در بوتنه آزمایش» در بررسی تمدن‌ها، جمله بسیار زیبایی را نگاشت: «پان اسلامیزم خوابیده است؛ اما اگر مستضعفان جهان ضدهسلطه غرب شورش کنند و تحت یک رهبری قرار گیرند، این خفته بیدار خواهد شد و بانگ این شورش ممکن است در برانگیختن روح نظامی اسلام مؤثر افتد». پیش‌بینی توین بی در سال ۱۹۷۹ با انقلاب اسلامی ایران محقق شد؛ چراکه با پیروزی انقلاب اسلامی، جنبش‌های اسلامی جان تازه‌ای یافته و بیداری اسلامی در هم‌منطقه خاورمیانه، وارد مرحله جدیدی شد (احمدی و حسینی نصرآبادی، ۱۳۹۵: ۶).

## ۲-۱) دوران شکوفایی ژئوپلیتیک شیعه (۲۰۰۳ به بعد):

در پی سقوط حکومت صدام حسین در عراق و رفع فشار از شیعیان این کشور که بیشتر جمعیت آن را تشکیل می‌دهند، منطقه خاورمیانه شاهد دور تازه‌ای از حضور شیعیان در صحنه سیاسی خود بود. ورود شیعیان عراق به فضای سیاسی خاورمیانه، الگوی تازه‌ای در کنار الگوی شیعی ایران از لحاظ سیاسی پدید آورد. پس از دو دهه اختناق حکومت‌های سنی، شیعیان بار دیگر حقوق بیشتر و جایگاه خود را در عرصه سیاسی مطالبه می‌کنند. سال ۱۹۷۹ را می‌توان نقطه عطف بزرگ جنبش‌های اسلامی معاصر به‌شمار آورد که موجب شد ژئوپلیتیک شیعه در عرصه بین‌الملل و به‌خصوص در منطقه خاورمیانه مطرح شود. ایده‌های انقلاب اسلامی بیش از هر منطقه‌ای در عراق تأثیرگذار شد و در برخورد میان گروه‌های مذهبی شیعه و دولت بعث، برای نخستین بار در تاریخ، حرکتی رادیکالی بعد از بازگشت رهبر انقلاب به تهران نمود یافت (ضرغامی و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۰۶).

## ۲-۲) هلال شیعی:

هلال شیعی، هلالی است که از جبل عامل شروع شده و پس از درنوردیدن بین‌النهرین و سواحل خلیج فارس، به‌ویژه مناطق نفت‌خیز شرق عربستان سعودی و فلات ایران، تا قلب کوه‌های خراسان بزرگ ادامه می‌یابد. شاید آن زمانی که کاخ سفید در پی اجرا و تدارک طرح خاورمیانه بزرگ بود، فکر نمی‌کرد نفوذ ایران و شیعیان بیش از گذشته شود؛ اما برگزاری انتخابات در عراق، شورای قانون‌گذاری فلسطین، تحولات لبنان و نیز وقوع جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله - رژیم صهیونیستی، اوضاع منطقه را تغییر داد.

## ۲-۳) یازده سپتامبر ۲۰۰۱ و شکل‌گیری هلال شیعه (ژئوپلیتیک شیعه):

سیاست خارجی آمریکا بعد از یازدهم سپتامبر از حفظ وضع به تغییر وضع موجود تغییر کرد. با قدرت‌گیری شیعیان در عراق و گسترش موج بیداری اسلامی در کشورهای منطقه، سران کشورهای منطقه از مفهوم هلال شیعی و دخالت کشور ایران در امور داخلی خود سخن راندند. درحقیقت آنچه موجب شد بحث هلال مطرح شود، دو عامل مهم بوده است؛ یکی رهایی از چالش اصلاحات طرح خاورمیانه بزرگ و دیگری حفظ جایگاه خود و ترساندن مردم منطقه از کشور ایران (ضرغامی و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۱۱)؛ لذا رقابت شیعه و سنی نیز که مرز و جبهه آن هیچ‌گاه بین

کشورها تعریف نشده، یکی از عرصه‌هایی است که به بی‌ثباتی در منطقه دامن زده است. این رقابت به‌ویژه بین ایران و عربستان پس از تحولات عراق و ایجاد دولت شیعی در این کشور شکل گرفته، به درون مرزهای بحرین، عربستان، لبنان و یمن نیز کشیده شده است، خاورمیانه را عرصه نزاع، کشمکش و منازعه ساخته است؛ به‌گونه‌ای که بسیاری جنگ سرد ایران و عربستان و جنگ نیابتی این دو کشور در عراق، سوریه و بحرین را ناشی از رقابت مذهبی بین این دو می‌دانند (روحی دهبه، ۱۳۹۶: ۸۹).

لذا با توجه به مطالب فوق، به‌نظر نگارنده، به‌کارگیری دو اصطلاح ژئوپلتیک شیعه و هلال شیعی که از طرف ایران و طرف‌های مقابل آن مطرح شده، هر کدام اهداف خود را پشت این اصطلاحات گنجانده‌اند. هدف ایران از طرح ژئوپلتیک شیعه که اشاره به وضعیت ژئوپلتیکی کشورهای شیعه منطقه دارد، بیشتر نفوذ در سیاست‌های داخلی آن کشورها و پیش‌برد اهداف سیاسی و دینی خود در منطقه بوده که در سایه همان استراتژی تهاجمی (تهاجم - قدرت) و پیش‌برد اهداف برای تبدیل شدن به هژمون منطقه‌ای است که در سندهای بالادستی بارها بدان اشاره شده است. هدف طرف‌های مورد مناقشه و رقیبان ایران نیز فشار به این کشور و بسته نگه‌داشتن دست آن در نفوذ بر کشورهای منطقه بوده است که مفاهیمی از جمله هلال شیعی و طرح خاورمیانه بزرگ مطرح شده‌اند که در بالا بدان‌ها اشاره شد.

**۳) نظامی‌گری:** اگر راهبرد دفاعی - امنیتی را به‌مانند لیدل هارت هنر به‌کارگیری جنگ و نیروی نظامی برای کسب اهداف سیاسی، یا شیوه‌های به‌کارگیری مؤلفه‌های مختلف قدرت ملی برای تحقق اهداف دفاعی - امنیتی کشورها در راستای سیاست‌های ملی تعریف کنیم، موقعیت استراتژیک ایران در سطح منطقه‌ای با ویژگی‌هایی هم‌چون داشتن همسایگان متعدد، وجود اختلافات عدیده در میان آن‌ها (به‌دلایلی همچون منازعات مرزی و سرزمینی، مشکلات و مسائل قومی و اختلاف بر سر منابع)، بحران‌ها و مخاصمات پرتاب شده، کشمکش‌ها و جنگ‌های درون منطقه‌ای، دخالت مستمر قدرت‌های بزرگ و پیچیدگی معمای امنیت، اندیشیدن به نگرانی‌های امنیتی منطقه‌ای را در اولویت سیاست‌گذاری ایران قرار می‌دهد (ارغوانی پیرسلامی و پیرانخو، ۱۳۹۶: ۵۶).

۳-۱) یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ و تأثیر آن بر سیاست خارجی ایران (گرایش به نظامی‌گری در منطقه): تحولات بعد از یازده سپتامبر و به‌خصوص حمله آمریکا به دو کشور همسایه افغانستان و عراق، به شکل‌گیری مؤلفه‌های نوینی در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران انجامید که به‌صورت هم‌زمان فرصت‌ها و تهدیداتی را برای امنیت ملی کشور به همراه داشت. ورود ایالات متحده و ناتو به افغانستان به حذف رژیم طالبان به عنوان تهدید امنیتی مهمی برای جمهوری اسلامی ایران انجامید و فرصت‌هایی را برای نفوذ و نقش‌آفرینی ایران در این حوزه ایجاد کرد. با این حال حضور نیروهای غربی در افغانستان و تأثیرگذاری‌های آن‌ها بر روند سیاسی و امنیتی این کشور به شکل‌گیری تهدیدات جدیدی برای ایران منجر شد. اشغال عراق از سوی ایالات متحده نیز دربردارنده تهدیداتی برای امنیت ملی ایران بود؛ با این حال به‌نظر می‌رسد گذشت زمان روشن کرده باشد که تغییر حکومت در عراق در نتیجه حمله آمریکا، فرصت‌های بسیار مهم‌تری را برای جمهوری اسلامی ایجاد کرد و به‌خصوص باعث حذف حکومت بعث به عنوان تهدید امنیتی مهم و شکل‌گیری نظام سیاسی مردم‌سالار جدیدی شد (امیری، ۱۳۹۷: ۱۰۵-۱۰۴).

۳-۲) تهدیدهای امنیت ملی ایران بعد از تحولات یازده سپتامبر ۲۰۰۱ و بهار عربی ۲۰۱۱ تاکنون: الف) محوربندی‌های جدید در منطقه: بر این اساس در خاورمیانه آینده می‌توان شاهد ائتلاف‌های منطقه‌ای متفاوت و جدیدی بود. اولین محوری که در حال شکل‌گیری است، ائتلاف نوینی با مرکزیت شورای همکاری خلیج فارس است که دو کشور اردن و مراکش را نیز دربرمی‌گیرد. یکی از ویژگی‌های مهم این محور در سیاست خارجی و منطقه‌ای، تعلق خاطر به غرب است. ویژگی دوم این محور، محافظه‌کاربودن رژیم‌های عضو به‌استثنای قطر (رویکردها و سیاست‌های خاص خود را دارد) است. محور دوم در حال شکل‌گیری در منطقه شامل مجموعه کشورهای دچار تحولی است که با توجه به نوعی شرایط و سرنوشت مشابه، نوعی هم‌اندیشی و هم‌گرایی در بین آن‌ها وجود دارد.

ب) تشدید مناقشه‌های درون منطقه‌ای: واحدهای مهم منطقه و جهان اسلام مانند ایران، ترکیه و عربستان که در خیزش‌های مردمی، نقشی تأثیرگذار دارند، تلاش برای سقوط دولت شیعی به رهبری نوری المالکی در عراق و تشدید اختلافات مذهبی در کنار حمایت از جریان‌های تکفیری در سوریه، از اقدامات مهم محور محافظه‌کار عربی به رهبری عربستان است که آثار مستقیم و منفی



بر امنیت ملی ایران دارد. ترکیه نیز به عنوان قدرتی در حال ظهور، به نقش آفرینی فعال در مسائل منطقه می‌پردازد.

ج) **برهم خوردن توازن قدرت در منطقه:** سقوط رهبران و تغییر ساختارهای سیاسی در کشورهای لیبی و مصر از یک سو، هراس برخی از رهبران منطقه از نزدیکی زیاد به آمریکا و متحدان خارجی، کاهش میزان مشروعیت و پایگاه مردمی دولت‌های محافظه‌کار منطقه از سوی دیگر، در نهایت به تغییر موازنه قوا در این منطقه منجر شده است. این امر به دلیل ناتوانی در بسیج منابع داخلی و بی‌اعتمادی روانی به اتحادها و ائتلاف‌های خارجی صورت می‌گیرد. در شرایط متغیر موازنه قدرت، معادلات قدرت به نفع ایران و ترکیه تغییر یافته است. البته شرایط پیچیده سیاسی و امنیتی پیش روی ایران، به دلیل اجرای برنامه هسته‌ای، استفاده از این فرصت‌ها را دشوار کرده است (امیری، ۱۳۹۷: ۱۱۱-۱۰۹).

### ۳-۳) راهبرد امنیتی جمهوری اسلامی ایران در قبال بازیگران اصلی منطقه:

شایسته است ایران در عرصه منطقه‌ای با توجه به رقابت سه ژئوپلیتیک تشیع (به رهبری ایران)، سلفی (به رهبری عربستان سعودی) و اخوانی (به رهبری ترکیه)، به راهبرد موازنه سه‌بعدی قدرت توجه کند؛ نخست، تأکید بر طرح مردم‌سالاری دینی به عنوان یک الگوی منطبق با ارزش‌ها و هنجارهای منطقه‌ای؛ دوم، تلاش در جهت گسترش همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی با کشورهای مهم منطقه به منظور کاهش میزان دخالت نیروهای بیرونی در فرآیند ایجاد نظم منطقه‌ای، اصلاح ساختارهای اقتصادی و پاسخ به تقاضاهای فزاینده خیل عظیم جمعیت جوان و جویای کار در منطقه از طریق کمک به بازارها و اتحادیه اقتصادی منطقه‌ای؛ سوم، جلوگیری از بروز هرگونه ائتلافی میان ترکیه و عربستان؛ چهارم، تلاش برای یافتن راه‌حلی سیاسی برای بحران سوریه و ممانعت از طولانی شدن آن و نیز جلوگیری از شدت‌گیری منازعات مذهبی و فرقه‌ای در منطقه و پنجم، ارتقای همکاری‌های اقتصادی با چین و تسری آن به حوزه‌های فرهنگی و نظامی (امیری، ۱۳۹۷: ۱۱۲).

### ۴-۳) فناوری موشکی و راهبرد دفاعی - امنیتی ایران در منطقه:

موشک‌ها به چهار نوع کوتاه‌برد، میان‌برد، برد متوسط و (موشک‌های بالستیک) دوربرد یا قاره‌پیما قابل تقسیم هستند. نیروی موشکی ایران برد گسترده‌ای از اهداف استراتژیک را پوشش

می‌دهد. هدف ایران از دست‌یابی به موشک‌های دوربرد راه، کسب و حفظ جایگاه منطقه‌ای خود و هم‌چنین ایجاد بازدارندگی در مقابل، قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه آمریکا در منطقه است. موشک‌های بالستیک میان‌قاره‌ای، بردی بیش از ۵۵۰۰ کیلومتر دارند و در طول تاریخ تنها پنج کشور (ایالات متحده، روسیه، چین، انگلیس و فرانسه) به آن دست یافته‌اند که از آن میان، تنها روسیه و آمریکا به‌صورت بومی موفق به تولید آن شده‌اند. ایران در جهت تقویت بازدارندگی فراسرزمینی خود، ایجاد گستردگی در نبردهای آینده و هم‌چنین شکل‌گیری جنگ نامتقارن در مقابل دشمنان خود، اقدامات متناسبی را در زمینه فعالیت‌های موشکی انجام داده که هدف نهایی آن، ارتقای توان دفاعی کشور و بازدارندگی در برابر دشمنان است (ارغوانی پیرسلامی و پیرانخو، ۱۳۹۶: ۶۸-۶۱). تأثیرگذاری بر معادله امنیت منطقه‌ای نیازمند بهره‌گیری از کارگزاران نیابتی همانند عربستان در فضای امنیت نامتقارن خواهد بود. هر یک از مؤلفه‌های یادشده پیامدهای رفتاری و بیانی ازسوی کارگزاران اجرایی آمریکا داشته است. نتیجه اینکه هرگاه تهدید امنیتی به‌وجود آید، پیامدهای متنوعی شکل می‌گیرد. رقابت‌های منطقه‌ای به‌گونه اجتناب‌ناپذیر، زمینه شکل‌گیری منازعات فراگیرتر را به‌وجود می‌آورد (Ikenberry, 2017:9).

لذا با توجه به مطالب فوق، به نظر نگارنده، ایران برای تقویت راهبرد منطقه‌ای خود در مقابل سایر بازیگران بهترین شیوه را در مقابله با فشارها دید و در راستای این استراتژی رویکرد تهاجمی (تهاجم - قدرت) را سرلوحه برنامه‌های سیاست خارجی خود قرار داد. در دهه‌های اخیر و به‌ویژه بعد از جنگ تحمیلی، از لحاظ کمی و کیفی در قابلیت‌های موشکی ایران پیشرفت‌هایی حاصل شده است که مهم‌ترین وجه آن، افزایش برد و دقت سیستم‌های موشکی بوده است. در مجموع می‌توان گفت رویکرد ایران در راهبرد نظامی، بازدارندگی دفاعی است که این راهبرد با استفاده از مضاعف‌نمودن قدرت منطقه‌ای و تبدیل شدن به هژمون منطقه‌ای میسر خواهد بود. هدف نهایی ایران بهره‌گیری از توان نظامی و ابزارهای سیاسی برای پیش‌برد اهداف نظامی در جهت مقابله با تهدیدهای منطقه‌ای و جهانی و نهایتاً تبدیل شدن به هژمون منطقه‌ای است.

## نتیجه‌گیری

الف) تجزیه و تحلیل، عقاید و یافته‌های پژوهش: نظام بین‌المللی در مرحله گذار از وضعیت دوقطبی به چندقطبی و تک‌قطبی (هژمون) دچار رویدادها و تحولات زیادی شده است. حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ (۲۰ شهریور ۱۳۸۰) در نیویورک و واشنگتن بی‌تردید، نقطه عطفی در تحولات نظام بین‌المللی بعد از پایان جنگ سرد محسوب می‌شود. پیامدهای عمیق این حوادث در داخل آمریکا و در سطح بین‌الملل، همه بازیگران سیاسی را به‌طور و اشکال مختلف از خود متأثر ساخته است و مباحث گوناگونی در تمام مراکز علمی، تحقیقاتی و سیاست‌گذاری دنیا در مورد ماهیت نظام بین‌المللی، کارکردهای سیاست خارجی و وضعیت جدید آرایش نیروها در مناطق مختلف به همراه آورده است. سیاست خارجی ایران، به‌گونه‌ای بسیار مستقیم از تحولات بین‌المللی تأثیر پذیرفته و نقش بین‌المللی ایران با عنایت به موقعیت ژئوپلیتیکی، ژئوآکونومیکی و ژئوفرهنگی این کشور در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، جزو لاینفک جزای تحلیل‌های مربوط به تحولات بین‌المللی است. ماحصل اشغال همسایگان شرقی و غربی ایران از سوی آمریکا، برخلاف انتظار سردمداران کاخ سفید، حذف دشمنان و افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران بود از این‌رو، آمریکا، اسرائیل و دولت‌های عرب اقداماتی برای کنترل قدرت ایران انجام دادند. محدودسازی ایران، کنترل عراق، حفاظت از اسرائیل، حفظ ثبات و تأمین امنیت جریان صدور نفت منطقه، از مهم‌ترین این اهداف به‌شمار می‌روند.

ب) نگارنده مباحث موردبحث در پژوهش فوق را این‌طور جمع‌بندی می‌نماید که جمهوری اسلامی ایران مانند سایر کشورها، لزوماً و همواره به‌صورت کنش‌گر یکپارچه عمل نمی‌کند. چون طبق واقع‌گرایی نوکلاسیک، اگرچه دولت از جامعه تفکیک و متمایز می‌شود ولی این دو کاملاً از یکدیگر مستقل نیستند. این امر بدان معناست که بازیگران فروملی در تدوین و تصمیم‌گیری سیاست خارجی بی‌ربط و بی‌تأثیر نبوده و تعریف و فصل‌بندی منافع ملی بدون مجادله و بحث و مناظره صورت نمی‌گیرد، به‌گونه‌ای که برآورد و ارزیابی تهدید، انطباق راهبردی و اجرای سیاست خارجی متضمن چانه‌زنی و بده‌بستان بین دولت با سایر بازیگران در درون جامعه است. بر مبنای واقع‌گرایی نوکلاسیک مانند نئورئالیسم، مهم‌ترین منفعت و هدف در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تأمین و تضمین بقا و امنیت در نظام بین‌الملل آنارشیک و خودیار است. بقا و امنیت

ملی جمهوری اسلامی ایران نیز برحسب آزادی عمل یا استقلال سیاسی و گسترش نفوذ آن تعریف می‌گردد از این رو، هدف تأمین بقا و امنیت در نظام بین‌الملل غیرمتمرکز ایجاب می‌کند تا جمهوری اسلامی ایران نیز یک سیاست خارجی منفعت‌محور بر پایه پی‌گیری منافع ملی خود تدوین و اجرا نماید. آناژشی، خودیاری و عدم اطمینان، جمهوری اسلامی ایران را برآن می‌دارد تا درصدد کسب قدرت برای تأمین امنیت خود برآید. با این حال، اگرچه امنیت اولویت اول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است؛ ولی تنها هدف آن به‌شمار نمی‌رود. به عبارت دیگر، امنیت و بقا قدر متقن منافع ملی جمهوری اسلامی ایران است که در سیاست خارجی تعقیب می‌شود نه حد نهایی آن؛ لذا جمهوری اسلامی ایران در صورت امکان و توانایی لازم، تلاش می‌کند از قدرتش برای شکل‌دهی به نظم منطقه‌ای و جهانی مطلوب استفاده نماید. هم‌چنین منافع و اهداف غیرامیتی مانند توسعه و رفاه اقتصادی نیز در سیاست خارجی ایران پیگیری می‌شود، اگرچه این منافع و اهداف مشروط و موکول به تضمین بقا و امنیت است.

#### پیشهادات

پیشنهاد نگارنده در پایان بحث این است که با توجه به چالش اصلی راهبرد سیاست خارجی ایران در منطقه در شرایط حاضر، که چگونه بین دو موضوع تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و بازدارندگی تهدید از منطقه نوعی تعادل و سازگاری برقرار کند، می‌توان این‌طور پنداشت که سناریوی طراحی یک راهبرد سوم در سیاست خارجی ایران بایستی مدنظر قرار گیرد که هم‌زمان قادر به برقراری نوعی تعادل بین محدودیت‌های استراتژیک ناشی از ضرورت ایفای نقش سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای ایران از یک سو و در نظر گرفتن منابع موجود اقتصادی کشور برای ایفای یک حضور مداوم و پرهزینه در قالب یک بازی بزرگ از سوی دیگر باشد. استراتژی نگاه به درون که حاصل تکامل و سازگاری بین دو رویکرد قبلی سیاست خارجی ایران است، خواهان تقویت اقتصاد استراتژیک کشور از طریق تنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی و اتصال منطقه‌ای از یک سو و بهره‌برداری از ثقل جغرافیایی ایران برای دفع تهدیدات فوری امنیتی از سوی دیگر است تا نقش استراتژیک آن برای قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای افزایش یابد. روی کارآمدن دونالد ترامپ در آمریکا و تلاش وی و متحدان منطقه‌ای اش برای معرفی دوباره ایران به اصطلاح به‌عنوان منبع فزاینده بی‌ثباتی منطقه‌ای یا به عبارت صحیح‌تر جلوگیری از قدرتمندشدن ایران در

توازن قوای منطقه‌ای، بر پیچیدگی‌های نقش منطقه‌ای و گرایش بیشتر کشورمان به سمت اصل بازدارندگی در راهبرد سیاست خارجی افزوده است.

#### احتمالات آینده

خروج آمریکا از برجام نقش مهمی در پیدایش زمینه‌های این راهبرد در سیاست خارجی ایران داشته است. تردیدی نیست که ایران باثبات و قوی‌تر که احساس امنیت بیشتری از روند تحولات منطقه‌ای کند، تمایل بیشتری به تقویت همکاری‌های منطقه‌ای خواهد داشت. امنیت منطقه خلیج فارس، در درجه اول به سه کشور اصلی ساحلی ایران، عراق و عربستان سعودی بستگی دارد. به علت ماهیت شیعی حکومت‌های ایران و عراق، ایالات متحده ترجیح می‌دهد به تقویت عربستان سنی بپردازد. ظهور یک عراق قدرتمند، باب میل آمریکا نیست؛ زیرا عراق قوی به علت خفگی ژئوپلیتیک در خلیج فارس، منجر به جنگ و به هم زدن موازنه قوا خواهد شد. از سوی دیگر، ضعف عراق به معنای ایران قدرتمند است که بازهم در راستای منافع آمریکا نمی‌باشد؛ بنابراین آمریکا چاره‌ای جز اتکا به حکومت آل سعود و تضمین لفظی امنیت کشورهای کوچک خلیج فارس ندارد.

## فهرست منابع

### منابع فارسی:

#### کتاب:

۱. بروکز، استفان؛ وولفورت، ویلیام (۱۳۹۲)، جهان نامتوازن: روابط بین‌الملل و چالش استیلاجویی آمریکا، ترجمه سیداحمد فاطمی نژاد، تهران: انتشارات نشر وزارت امور خارجه.
۲. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سمت.
۳. سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۲)، مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۴. فولر، گراهام (۱۳۷۳)، قبله عالم (ژئوپلیتیک ایران)، ترجمه: عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
۵. قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۸۵)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت.
۶. کالاهان، پاتریک (۱۳۹۶)، منطق سیاست خارجی آمریکا: نظریه‌های نقش جهانی آمریکا، ترجمه داوود غرقیان‌زندی، محمود یزدان‌فام و داوود پورآخوندی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم.
۷. متقی، ابراهیم (۱۳۹۸)، ترامپ، جمهوری اسلامی ایران و سیاست بین‌الملل، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
۸. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۴)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت.
۹. مرشایمر، جان (۱۳۸۸)، تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ، ترجمه غلام‌علی چگنی‌زاده، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه (چاپ اول).
۱۰. هالستی، کی‌جی (۱۳۷۳)، مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل، ترجمه بهرام مستقیم و مسعود طارم‌سری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

#### مقالات و سایت‌ها:

۱۱. احمدی، سیدعباس؛ حسینی نصرآبادی، نرجس‌سادات (۱۳۹۵)، وضعیت ژئوپلیتیک شیعه در عصر جهانی‌شدن، فصل‌نامه علمی - پژوهشی مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره ۱۸.
۱۲. احمدی‌خوی، امیررضا؛ متقی، ابراهیم؛ نیاکوئی، سیدامیر (۱۳۹۷)، آرمان‌های راهبردی و عمل‌گرایی تاکتیکی در سیاست خاورمیانه‌ای ایران، فصل‌نامه ژئوپلیتیک، سال چهاردهم، شماره اول.
۱۳. آجیلی، هادی؛ رضایی، نیما (۱۳۹۷)، رئالیسم تدافعی و تهاجمی چهارچوبی تئوریک برای تحلیل وقایع و رخدادهای خلیج فارس، فصل‌نامه امنیت ملی، سال هشتم، شماره ۲۷.
۱۴. آذری نجف‌آبادی، محمدمهدی (۱۳۹۰)، تغییر مرکز ثقل سیاست خارجی آمریکا پس از یازدهم سپتامبر، فصل‌نامه سیاست خارجی، سال بیست و پنجم، شماره سوم.

۱۵. ارغوانی پیرسلامی، فریبرز؛ پیرانخو، سحر (۱۳۹۶)، تحول فناوری موشکی و راهبرد دفاعی - امنیت جمهوری اسلامی ایران، فصل نامه راهبرد، سال بیست و ششم، شماره ۸۳.
۱۶. اسدی، علی اکبر (۱۳۸۹)، رئالیسم و رویکردهای رقیب به سیاست خارجی، فصل نامه راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۵۶.
۱۷. امیری، سروش (۱۳۹۷)، نسبت دگرگونی های منطقه غرب آسیا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصل نامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام، سال ۸، شماره دوم.
۱۸. اهویی، مهدی، تحول پارادایم اتحادهای امریکا در خاورمیانه و گزینه های محتمل در قبال ایران، فصل نامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره اول، شماره بیست و سوم، (بهار ۱۳۹۶).
۱۹. برزگر، کیهان (۱۳۸۸)، منطقه گرایی در سیاست خارجی، مطالعات اورآسیای مرکزی، سال دوم، شماره ۵.
۲۰. برزگر، کیهان (۱۳۹۷)، راهبرد سیاست خارجی ایران در توازن قوای منطقه ای، فصل نامه مطالعات راهبردی، سال بیست و یکم، شماره چهارم، شماره ۸۲.
۲۱. حاجی یوسفی، امیر محمد، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: محدودیت ها، فرصت ها و فشارها، فصل نامه سیاست خارجی، سال ۱۷، شماره چهارم (... ۱۳۸۱).
۲۲. حسن خانی، محمد و محمدی سیرت، حسین، نسبت عملی منافع ملی و ایدئولوژی اسلامی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دو فصل نامه علمی - پژوهشی جامعه شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۶، شماره ۱ پیاپی ۱۲، (بهار و تابستان ۱۳۹۷).
۲۳. روحی دهبین، مجید، خاورمیانه پس از تحولات ۲۰۱۱ میلادی بحران دولت ملی و نظم منطقه ای، فصل نامه دولت پژوهی، سال سوم، شماره ۱۲، (زمستان ۱۳۹۶).
۲۴. سلیمی، حسین؛ ابراهیمی، منار (۱۳۹۴)، مبانی نظری، فرانظری و نقد نظریه واقع گرایی نئوکلاسیک، فصل نامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره نخست، شماره هفدهم.
۲۵. ضرغامی، برزین؛ شوشتری، سیدمحمدجواد؛ انصاری زاده، سلمان (۱۳۹۳)، ژئوپلیتیک شیعه اهلل شیعه (مبانی، اهداف، رویکردها)، پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره ۴۶، شماره ۱.
۲۶. فلاح نژاد، علی (۱۳۹۷)، آمریکا، دموکراسی و خاورمیانه (از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا دوره ترامپ)، فصل نامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام، سال هشتم، شماره سوم.
۲۷. قلیچائی، لیلا، بررسی نقش واقعه یازدهم سپتامبر بر وضعیت امنیت و حقوق بشر کشورهای در حال توسعه با تاکید بر خاورمیانه، بی جا، سال چهاردهم، (بهار ۱۳۹۰).
۲۸. کریمی فرد، حسین، سیاست خارجی ترامپ و واقعیت های نظام بین الملل، فصل نامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۸، (پاییز ۱۳۹۷).
۲۹. گوهری مقدم، ابوذر (۱۳۸۷)، مروری بر تغییر پارادایمی در سیاست خارجی آمریکا در دوران بوش، فصل نامه راهبرد یاس، شماره ۱۶.

منابع لاتین:

30. Amentahru Wahlrab(2003) , "Realism, Security, and Democracy: A Sophisticated Realist Critique of the War on Terrorism", Critique, (Spring 2003), [1386/6/26]. Available at: <http://lilt.ilstu.edu/critique/spring2003/docs/awahlrab>.
31. Bayoumy, Yara- Landy, Jonathan and Strobel, Warren (July 27, 2018), "Trump seeks to revive 'Arab NATO' to confront Iran, Reuters. See also: Werlemen, CJ (8 August 2018), "Trump's "Arab NATO" idea is doomed to fail," Middle East Eye.
32. Brands, Hal(2017) "Can U.S. Internationalism Survive Trump? American internationalism is not dead yet, but that it faces serious long term maladies". Foreign Policy. Available at: [www.foreignpolicy.com/2017/05/25/can-u-s-internationalism-survive-trump](http://www.foreignpolicy.com/2017/05/25/can-u-s-internationalism-survive-trump).
33. Bush, G.H.(2001) Toward New World Order, in The Geopolitics Thoughts in Twentieth Century, Translated to Persian by: Mohammad Reza Hafeznia and Hashem Nasiri, the Institute for Political and international Studies, Tehran.
34. Ikenberry, John, (2017), The Plot Against American Foreign Policy; Can the Liberal Order Survive? Foreign Affairs, March & April.
35. Mearsheimer, J. J (2001), The Tragedy of Great Power Politics, New York: Norton.
36. Monier, Elizabeth (2014), "The Arabness of Middle East Regionalism: the Arab Spring and Competition for Discursive Hegemony between Egypt, Iran and turkey." Contemporary Politics
37. Larres, Klaus( 2017), "Donald Trump and America's Grand Strategy: U.S,foreign policy toward Europe. Russia and China", Available at: <http://www.globalpolicyjournal.com/articles/conflict-and-security/donald-trump-and-america%E2%80%99s-grand-strategy-us-foreign-policy-toward-eu>
38. Rose, Gideon (2017), What's Inside; Present at the Destruction?, Foreign Affairs, March & April.
39. Trump, D.(2016), Transcript: Donald Trump's Foreign Policy Speech, The New York Times. April 27 .
40. Trump, Donald (2017), US National Security Strategy. Translated to Persian by Fars News Agency. Tehran [in Persian].
41. Wolfforth, William C(2008) , Realism and Foreign Policy; Theories, Actors, Cases, Edited by Steve Smith and Amelia Hadfield and Tim Dunne, Oxford University Press.
42. Waltz, K (1979), Theory of International Politics, McGraw-Hill. .... (1982), Letter to Editor, International Organization.
43. Walt. SM.(2016) , No, @realDonaldTrump Is Not a Realist, Foreign Policy, April 01, at: <http://foreignpolicy.com/2016/04/01/no-realdonaldtrumpis-not-a-realist/>
44. Zakaria f. (1998), From wealth to power: the Unusual origins of America s world role: Princeton. Nj: Princeton University Press.